

مسلمان یکی از وظایف است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) داریم که می فرماید «الَّذِينَ التَّصِيحَةُ»^{۱۳} و سه بار این جمله را تکرار می کند که حقیقت دین خیرخواهی است. دولت اسلامی باید خیرخواه مسلمانان باشد. یکی از بزرگ ترین مصادیق خیر برای مسلمانان سعادت مند شدن آن ها است. بنابراین دولت اسلامی باید در راستای تحقق این خیر تلاش کند.

سومین دلیلی که ما می توانیم برای لزوم تلاش دولت اسلامی در راستای سعادت مند شدن شهروندان مورد استناد قرار دهیم امور حسبیه است که با سه عنصر تعریف می شود که غالب فقها از میان آن ها به دو عنصر توجه می کنند. عنصر اول امور حسبیه اموری است که شارع مقدس راضی به ترک آن ها نیست و عنصر دوم آن است که متولی قهری مشخصی ندارد. پس هرگاه اموری باشد که خداوند متعال راضی به ترک و تعطیل آن نباشد و متولی قهری مشخصی هم برای آن امور تعیین نشده باشد، مصادیق امور حسبیه خواهد بود و انجام آن وظیفه ولی امر مسلمین است که باید از طریق تشکیلات دولت اسلامی این وظیفه را به انجام برساند. برای آنکه بدانیم سعادت مند شدن شهروندان دولت اسلامی جزء مصادیق امور حسبیه هست یا نه می توانیم از طریق اولویت کمک بگیریم؛ یعنی مراجعه کنیم ببینیم که مصادیقی که فقهای ما برای امور حسبیه بیان می کنند کدام اند و از طریق دقت در آن مصادیق به این نتیجه برسیم که آیا سعادت مند شدن شهروندان دولت اسلامی جزء آن مصادیق هست یا نه؟

یکی از مصادیقی که فقهای ما برای امور حسبیه بیان کردند این است که یک شخص بی سرپرست در جامعه اسلامی به حال خودش رها شود و می گویند ما یقین داریم که خداوند متعال راضی نیست که شخصی بی سرپرست در جامعه اسلامی به حال خودش رها شود. مصادیق دیگر این است که اگر مالی بدون مالک در جامعه اسلامی به حال خودش رها شود و در معرض تلف قرار گیرد آقایان فقها می گویند ما یقین داریم که شارع مقدس راضی نیست که این اموال بدون سرپرست به حال خودش رها شود. گاهی اتفاق می افتد که در بنادر اموالی وارد شود و در سوله ها و انبارها نگهداری شود درحالی که مالک این مال مشخص نیست و اگر به این مال رسیدگی نشود در معرض تلف قرار می گیرد و فقهای ما می گویند خدا راضی نیست این مال تلف شود و از آیات و روایات این معنا را به وضوح استنباط می کنیم؛ آیه شریفه قرآن می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»^{۱۴}. اموالتان را در اختیار افراد سفیه قرار ندهید، همان اموالی که خداوند آن ها را مایه قوام زندگی شما قرار داده است. پس معلوم می شود خدا راضی به تلف شدن مال نیست. حداقل کاری که یک سفیه با مال می کند آن است که استفاده صحیح از آن مال به عمل نمی آورد. وقتی که خدا راضی نباشد که انسان مال خودش را در اختیار سفیه قرار دهد که موجب تلف شدن مال شود، به طریق اولی راضی نخواهد بود که شهروندان جامعه اسلامی سعادت مند نشوند و اسباب نعمت برای آن ها فراهم نگردد و طریق اولییتی که عرض کردم اینجا آشکار می شود و مقایسه کنید سعادت مند نشدن شهروندان جامعه اسلامی را با تلف شدن اموال و یا بایی سرپرست ماندن یک صغیر. کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ بی تردید سعادت مند نشدن مفسده بزرگ تری دارد و سعادت مند شدن هر یک از شهروندان اهمیت بیشتری دارد. پس با استناد به ادله امور حسبیه ما به این نتیجه می رسیم که یکی از امور حسبیه تلاش در مسیر سعادت مند شدن شهروندان جامعه اسلامی است و از آنجا که انجام امور حسبیه وظیفه ولی امر مسلمین است، پس به این نتیجه می رسیم که

برای استناد این مطلب ارائه دهیم؟ به نظر بنده با سه بیان و طریق متفاوت می توانیم این مطلب را استدلالی کنیم.

دلیل اول استناد به ادله امریه معروف و نهی از منکر است. دولت اسلامی وظیفه دارد که معروف را در جامعه استقرار ببخشد. در کتاب های امریه معروف و نهی از منکر، فقها فرمودند که اگر خداوند دستور داده است که باید امریه معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی عملی بشود به این منظور بوده است که معروف در جامعه تحقق پیدا کند و منکر از جامعه زوده شود. بی تردید یکی از امور معروف و پسندیده سعادت مند شدن مردم جامعه اسلامی است، اعم از شهروندان مسلمان و غیرمسلمان، به همان معنایی که ما برای نیک بختی ارائه کردیم، یعنی فراهم بودن اسباب نیک بختی. پس بدین ترتیب تمام آیات و روایاتی که ناظر است به امریه معروف و نهی از منکر شامل تلاش دولت اسلامی در راستای سعادت مند کردن مردم و شهروندان خواهد شد. با عنایت به همین نکته تأکید می کنم که هدف از امریه معروف و نهی از منکر استقرار معروف در جامعه است و معنای این تأکید آن است که دولت اسلامی نباید صبر کند تا معروفی در راستای سعادت انسان ترک شود و سپس بیاید امریه معروف بکند. نباید صبر کند منکری در راستای شقاوت انسان ها تحقق پیدا کند و سپس نهی بکند از آن منکر. علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد. اگر دولت اسلامی منتظر بشود تا معروف که همان مصادیق مورد نظر ما در اینجا، یعنی سعادت مند بودن شهروندان جامعه اسلامی، است ترک شود و سپس بخواهد امریه معروف و نهی از منکر بکند، بدون تردید نمی تواند در رسیدن به این هدف که استقرار معروف در جامعه است موفق شود و یا اگر هم موفق شود با هزینه خیلی زیاد و طی شدن مدت طولانی ممکن است به دست آید، یعنی بسیاری از فرصت ها را از دست خواهد داد.

اگر بخواهیم با زبان فنی تری بر اساس اصطلاحات فقهی این مطلب را بیان کنیم به این ترتیب است که نه تنها رفع منکر واجب است، بلکه دفع منکر هم واجب است. یعنی اینکه گاهی منکر واقع می شود و دولت اسلامی تلاش می کند که این منکر باقی نماند و یا تکرار نشود. در اینجا نهی از منکر برای جلوگیری از تکرار منکر است و یا برای جلوگیری از بقای منکر است. مثلاً شخصی امنیت جامعه را به خطر می اندازد. دولت اسلامی برای اینکه این تهدید امنیت تکرار نشود و یا باقی نماند با آن فرد یا گروهی که امنیت را به خطر انداخته مبارزه می کند و این کار می شود امریه معروف در جهت رفع منکر و علاوه بر این دفع منکر هم واجب است. دفع منکر یعنی انجام دادن عملی که مانع پیدایش منکر شود. ترک معروف خود مصادیق منکر است. همچنین شقاوت مند شدن شهروندان جامعه اسلامی مصادیق دیگری از منکر است، پس فقدان سعادت برای شهروندان و یا شقاوت مند شدن شهروندان مصادیق منکر هستند و دولت اسلامی همان طور که موظف است اگر منکری واقع شدن آن را رفع کند و از ادامه آن جلوگیری کند، همچنان نیز موظف است که مانع شکل گیری و تحقق منکر شود. پس از باب دفع منکر دولت اسلامی موظف است که کارهایی را که موجب سعادت مند شدن مردم جامعه است انجام دهد و از کارهایی که سبب شقاوت مند شدن مردم جامعه است جلوگیری کند.

دلیل دومی که برای وجوب اقدام دولت اسلامی در راستای تحصیل سعادت شهروندان می توان مورد استناد قرار داد روایاتی است که دعوت به خیر را تکلیف شهروندان و همچنین ولی مسلمین می دانند که در متون روایی ما با عنوان «التصیحه» مطرح شده است. نصیحت و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان و همچنین برای عموم مردم

**اگر دولت اسلامی
منتظر بشود تا
معروف که همان
مصادیق مورد
نظر ما در اینجا،
یعنی سعادت مند
بودن شهروندان
جامعه اسلامی،
است ترک شود
و سپس بخواهد
امریه معروف
و نهی از منکر
بکند، بدون تردید
نمی تواند در رسیدن
به این هدف که
استقرار معروف در
جامعه است موفق
شود**